



برگرفته از کتاب نماز جمعه یا قیام توحیدی هفته از علامه سید محمد جواد موسوی

غروی - مندرج در صفحات ۱۸۴ و ۱۸۵.

و اما حدیث: اِخْتِلَافُ أُمَّتِي رَحْمَةً (اختلاف امت من رحمت است)

بدین معنی نیست که برخی گمان کرده‌اند. اختلاف در لغت دو معنی دارد یکی ضد اتفاق، در المنجد می‌گوید:

تَخَالَفُوا وَ اِخْتَلَفُوا ضِدُّ تَوَافَقُوا وَ اِتَّفَقُوا

و در قرآن مجید به این معنی بسیار است مانند: وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا... (آل عمران ۱۰۵) و

این استعمال شایع است. دوم به معنی رفت و آمد است. در مجمع البحرین آمده:

اِخْتَلَفَ مِنْ مَوْضِعٍ اِلَى مَوْضِعٍ تَرَدَّدَ، رفت و آمد کرد از جایی به جایی. سپس می‌گوید: و منه الحدیث: و این حدیث به همین معنی است، مَنِ اِخْتَلَفَ اِلَى الْمَسَاجِدِ اَصَابَ اِحْدَى الثَّمَانِ، آي مَنْ تَرَدَّدَ اِلَيْهَا. کسی که رفت و آمد کند به مسجدها، به یکی از هشت فائده، (یا به همه آنها) نائل می‌گردد.

و در قرآن است: وَاِخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، رفت و آمد شب و روز.

مراد از حدیث مزبور نیز این است که رفت و آمد و انس و معاشرت افراد امت من رحمت است، زیرا کتاب مجید به شدت از اختلاف نهی و جلوگیری می‌کند و به اتفاق و اتحاد اکیداً امر می‌نماید. عقلاً و حساً نیز ثابت است که تمام سعادت و ترقیات جسمانی و روحی و نیل به همه مقاصد و اهداف مادی و معنوی مرهون اتصال و اتحاد است.

عبد المؤمن انصاری گفت: به حضرت صادق علیه السلام عرض کردم:

اِنَّ قَوْمًا يَرُوْنَ اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ وَ اٰلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ: اِخْتِلَافُ اُمَّتِي رَحْمَةٌ؟ فَقَالَ: صَدَقُوا.

گروهی روایت می‌کنند که پیامبر اکرم فرمود: اختلاف ... مرداش این بود که؛ چه طور ممکن است اختلاف، موجب رحمت شود؟ (عبدالمؤمن هم از اختلاف همان معنی شایع را فهمیده بود) حضرت صادق علیه السلام فرمود: راست گفته‌اند: یعنی حدیث «اِخْتِلَافُ اُمَّتِي...» صحیح است. عبدالمؤمن می‌گوید: گفتم:

اِنْ كَانَ اِخْتِلَافُهُمْ رَحْمَةً، فَاجْتَمَاعُهُمْ عَذَابٌ؟



اگر اختلاف امت رحمت است پس اجتماع (اتحاد) ایشان عذاب است؟ و نباید مجتمع و متحد شوند! فرمود: لَيْسَ حَيْثُ تَذْهَبُ وَ ذَهَبُوا، این چنین که تو پنداشته‌ای و آنان گمان کرده‌اند نیست.

إِنَّمَا أَرَادَ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: فَلَوْلَا نَفَرْنَا مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ
فَأَمَرَهُمْ أَنْ يَنْفِرُوا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ يَخْتَلِفُوا إِلَيْهِ فَيَتَعَلَّمُوا. ثُمَّ يَرْجِعُوا إِلَى قَوْمِهِمْ فَيُعَلِّمُوهُمْ. إِنَّمَا أَرَادَ اخْتِلَافَهُمْ مِنَ الْبُلْدَانِ، اخْتِلَافًا فِي دِينِ اللَّهِ إِنَّمَا الدِّينُ وَاحِدٌ.

فقط منظور رسول الله صلی الله علیه و آله این گفته خدای عزوجل بوده است: چرا از میان هر فرقه‌یی، عده‌یی نیستند که کوچ کرده و علم دین را به خوبی فرا گیرند؟ تا اینکه هرگاه به قوم خویش بازگردند، ایشان را بیم دهند شاید که (از گناهان) پرهیزند، پس آنان را امر کرد تا بشتابند به سوی رسول خدا، و با وی در رفت و آمد باشند و علم فرا گیرند، سپس به قوم خود بازگشته آنان را تعلیم دهند. مقصودش فقط آمد و شد آنها از شهرها بوده و آمد و شدی که در جهت دین خدا باشد، دین هم فقط یکی است.

بناءبراین ثمره آمد و شد باید فراگرفتن علوم دینی و تعلیم و تربیت و ترویج احکام و اتحاد باشد.